

تعارض بینہ و اقرار

در باب جنایات

حجة الاسلام و المسلمین مگوکانی

مقدمه

موضوع بحث این مقاله عبارت است، از تعارض بینہ و اقرار در باب جنایات که از نظر حقوقی و جزائی حائز اهمیت است و شامل مسائل حساس و متنوعی می‌باشد. قبل از ورود به بحث، لازم است، به چند مطلب اساسی از باب مقدمه اشاره شود.

الف - قتل با سه چیز ثابت می‌شود:

- ۱- اقرار: شخص اقرار کند به ارتکاب جنایت (یکبار یا دوبار).
- ۲- بینہ: دو نفر بالغ، عاقل، عادل، ذکور شهادت دهند.
- ۳- قسامه: مدعی برای اثبات ادعای خویش نسبت به متهم بینہ ندارد، لکن قرائن ظنیہ وجود دارد بر صدق مدعی. در این صورت مدعی با قوم و خویش خود پنجاه بار باید قسم بخورد.

ب - گرچه تعارض (بینہ با بینہ) در کتب فقهیہ به لحاظ ترتیب از تعارض امارات دیگر جلوتر مطرح شده است لکن در تعارض بینہ با اقرار یک سلسله دلائلی وجود دارد که مورد استناد حقوق دانان در تعارض امارات دیگر قرار گرفته است، لذا در این مقاله بحث تعارض بینہ با اقرار مقدم بر آنها ذکر شده است تا تقدم طبیعی رعایت شود.

ج - هر اماره در اثبات مؤدی و متعلق خود گر چه نوعاً افاده ظن می‌کند، و بمرتبہ

یقین و قطع نمیرسد، و بهمین سبب حجیت امارات قابل جعل بوده و از ناحیه شرع معتبر و حجت شده است، لکن دلائلی که از قبیل (کتاب، سنت، بناء عقلا، سیره قطعیه ...) نسبت به حجیت امارات، مورد استناد قرار گرفته است، همه آن دلائل علمی بوده و احکام مستفاد از آن امارات بطور قطع احکام ظاهری مکلفین می‌باشد، و مقصود علامه هم از این جمله که می‌فرماید (ظینه الطریق لاینافی قطعیة الحکم) اشاره بهمان معنی است که گفته شد، و لذا جایگاه امارات در علم اصول بعنوان ظنون خاصه مطرح بوده و جانشین شدن امارات بجای قطع طریقی^(۱) (نه موضوعی) مورد تصویب حقوق دانان واقع شده است.

۵- مسائلی که در این مقاله از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد غالباً در محاکم قضائی جامعه اسلامی مورد ابتلاء بوده و هست، لذا سعی و کوشش فراوان شده است، که ضوابط کلی در احکام جزائی و کیفری در رابطه با تعارض امارات شرعی که مورد استناد فقها قرار گرفته است، با اشاره بمنابع اصلی بررسی گردد، ضمناً باید توجه داشت، محور بحث در سه بخش تحقق می‌یابد:

۱- تعارض بینه با اقرار

۲- تعارض بینه با بینه

۳- تعارض اقرار با اقرار

اما تعارض امارات دیگر از قبیل تعارض خبر با خبر دیگر^(۲)، ...، یا تعارض بعضی از اصول با اصول دیگر مثل تعارض استصحاب با استصحاب دیگر، یا تعارض امارات با اصول چنانکه مرحوم نائینی در تقریرات خود مطرح فرموده‌اند^(۳) از محدوده کار این مقاله خارج است.

۱- کفایة الاصول ج ۲ ص ۲۰ آخوند محمد کاظم خراسانی چاپ اسلامیه حاشیه فرائد الاصول خراسانی ص ۶ مطبعه حاج عبدالرحیم تقریرات نائینی: محمد علی کاظمی ج ۲ ص ۴۱۱ المکتبه المصطفوی حقایق الاصول جزء ۲ ص ۲۴ السید محسن حکیم مطبعه العلمیه نجف.

۲- کفایة الاصول ج ۲ ص ۳۸۹: آخوند ملا محمد کاظم خراسانی.

۳- تقریرات نائینی ج ۲ ص ۴۱۲: محمد علی کاظمی، مکتبه مصطفوی.

تصویر مسئله

اگر بینة (شهادت دو نفر شاهد عادل) قائم شد باینکه شخصی زید را عمداً بقتل رسانده است، و دیگری اقرار نمود که مشهود علیه او را نکشته است، و اظهار نمود که من او را کشته‌ام، مشهور بین فقها، این است، که ولی دم میان چهارچیز مخیر است، که هر کدام از آن چهار چیز حکم ویژه خود را دارد، که بطور مشروح مورد تحلیل فقهی و حقوقی قرار می‌گیرد.

- ۱- ولی دم می‌تواند مشهود علیه را قاتل شناخته و قصاص کند.
- ۲- ولی دم می‌تواند مقرر را مجرم شناخته مورد قصاص قرار دهد.
- ۳- ولی دم حق دارد اختیار کند کشتن هر دو نفر را (مشهود علیه و مقرر).
- ۴- ولی دم می‌تواند از قصاص و کشتن هر دو نفر (متهم و مقرر) صرف نظر نماید و بگرفتن دیه (خونبها) اکتفا نماید، که شرح و تفصیل چهار صورت فوق در ضمن نقل مستند و مدرک مسئله تبیین خواهد شد.

مشهور از فقها، در این مسئله، که قهراً بین بینة و اقرار تعارض رخ داده است، استناد نموده‌اند به خبر صحیح زراره از حضرت امام باقر علیه السلام که هم اکنون از نظر شما می‌گذرد.^(۱)

روایت زراره چنین است: مردی بنا به اظهار شهود، شخصی را بطور عمد به قتل رسانده است، والی حاکم پس از گزارش جریان، دستور می‌دهد قاتل (متهم) را به اولیای مقتول بسپارند تا قصاص کنند، در این هنگام که هنوز قصاص انجام نشده بود، شخصی حاضر شد و اقرار نمود که او مقتول را کشته است و اضافه نمود که مرا در خون او مأخوذ بدارید و تاکید نمود که مشهود علیه (متهم بقتل) بری است از ارتکاب به قتل. زراره می‌گوید: پس از طرح سؤال، امام علیه السلام چنین پاسخ فرمودند: اولیای

۱- نگارنده گوید: در مسئله مطروحه فوق اگر خبر زراره نبود، طبق ضوابط، چنانکه در علم اصول مقرر شده است، اصل، تساقط دو اماره است (تساقط بینة و اقرار) حتی مرحوم نائینی در تقریرات کاظمی ج ۲ ص ۴۴۷ میفرماید: در خبر بین متعارضین هم اصل تساقط است لکن نصوص از ناحیه ائمه معصومین در حد استفاضه وارد شده است، که در دو خبر متعارض با نبودن مرجحات و مزایا، وظیفه اخذ و انتخاب نمودن یکی از آن دو خبر است، لذا فحول از محققین سعی بر آن داشته‌اند، که خبر زراره را، طوری توجیه نمایند که مخالف ضوابط و قواعد نباشد.

مقتول اگر بخواهند می‌توانند مقرر را بعنوان قصاص بکشند، لکن اولیای مقتول با کشتن مقرر، دیگر نسبت به مشهود علیه (متهم) حقی ندارند، و ورثه مقرر هم حق ندارند از مشهود علیه چیزی بخواهند یعنی با کشتن مقرر، مسئله فیصله می‌یابد^(۱) و اگر اولیای مقتول بخواهند مشهود علیه را قصاص کنند - نه مقرر را - می‌توانند لکن در صورت کشتن مشهود علیه (متهم) ورثه مقرر باید نصف دیه (خونبها) را به ورثه مشهود علیه پردازند. زراره می‌گوید: عرض کردم: اگر اولیای مقتول خواسته باشند هم مقرر و هم مشهود علیه را بعنوان قصاص بکشند می‌توانند؟ امام (ع) فرمودند: آری چنین حقی دارند ولی در صورت کشتن هر دو تالی آنها باید نصف دیه را به ورثه مقرر و نصف دیگر را به ورثه مشهود علیه پرداخت نمایند سپس به قصاص آنها اقدام کنند.

زراره می‌گوید: سؤال نمودم، چرا در صورت کشتن مشهود علیه لازم^(۲) است، مقرر نصف دیه را به ورثه متهم پردازد اما در صورت کشتن مقرر لازم نیست مشهود علیه به ورثه مقرر نصف دیه را پرداخت کند؟ امام علیه السلام در پاسخ من چنین فرمود: مشهود علیه مثل مقرر نیست، زیرا مشهود علیه اقرار به قتل نمود و مقرر را تبرئه نکرد، لکن مقرر پس از اقرار به قتل، مشهود علیه را تبرئه نموده و مسئولیت جنایت را مستقلاً به عهده گرفت، لذا لازم افتاد به مقرر چیزی که لازم نیفتاد به مشهود علیه.^(۳)

و ما بخاطر اهمیت زیادی که فحول علماء باین روایت داده، و مطالب بسیار ارزنده‌ای را در تحلیل و نقد این خبر ارائه نموده‌اند عین روایت را نقل می‌کنیم بدین منظور که ممکن است خواننده عزیز برداشت دیگری از روایت داشته باشد.^(۴)

۱ - المختلف ج ۲ ص ۲۳۷ = التهذیب ج ۱۰ (۱۲) = المهدب ج ۲ باب البینات = الکافی، القصاص، ص ۲۸۷ به نقل از کتاب:

المهدب البارع فی شرح المختصر النافع ج ۵ ص ۲۰۵ / تالیف: احمد بن محمد بن فهد الحلّی موسسه نشر اسلامی. ایضاح الفوائد: محمد بن الحسن (فخر المحققین) ج ۴ ص ۶۰۹ موسسه اسماعیلیان.

۲ - شرایع الاسلام: محقق حلّی = جعفر بن الحسن ج ۴ ص ۲۲۱ مطبوعه نجف اشرف

۳ - جواهر الکلام ج ۱۵ ص ۱۳۵ - بیروت.

۴ - عن رجل قتل فحمل الی الوالی و جاء قوم فشهد علیه الشهود انه قتل عمداً فدفع الی الوالی القاتل الی اولیاء المقتول ليقاد به فلم یریموا حتی اتاهم رجل فاقر عند الوالی انه قتل صاحبهم عمداً و ان هذا الرجل الذی تشهد علیه الشهود بری من قتل صاحبه فلا

با در نظر گرفتن ابعاد وسیع مسئله مزبور در قلمرو قوانین کیفری و حقوقی در تحلیل مسئله، و مقایسه آن با ضوابط موجود و مسلم و استنباط حکم قطعی نسبت به اقدام ریختن خون بناحق و اتلاف نفس که از نظر شرع مقدس اسلام حساس تر و خطرناکتر از آن مسئله‌ای وجود ندارد، و تا آنجا پیش می‌رود که با آهنگ رسا قاتل نفس را قاتل همه مردم معرفی می‌کند و قاتل را وعده آتش جاودانه می‌دهد و به ولی مقتول حق قصاص می‌دهد، و کوچک‌ترین تسامح و بی‌دقتی در ارتکاب جنایت را گناه بس بزرگ و نابخشودنی می‌خواند، در کتاب السرائر تالیف محمدبن ادریس حلی جمله جالبی دارد می‌فرماید اگر قاتل هزار نفر هم باشد همه آنها را ولی دم می‌تواند به قتل رساند با پرداخت دیه اضافی آنها^(۱) و در صورتی که ده نفر و بیشتر از آن یکنفر را بکشند اجازه می‌دهد همه آنها کشته شوند (با پرداخت دیه اضافی قصاص شده‌ها).

حقوق‌دانان در مسئله مطروحه (تعارض بینة با اقرار) دچار مشکلات فراوانی شده‌اند زیرا از یک سو روایت زراره هم از نظر سند و هم از حیث دلالت تمام و بی نقص بوده، و

ادامه پاورقی از صفحه قبل

تقتلوه به و خذونی بدمه قال: فقال علیه السلام: فان اراد اولیاء المقتول ان یقتلوا الذی اقر علی نفسه فلیقتلوه و لا سیل لهم علی الاخر ثم لا سیل لورثة الذی اقر علی نفسه علی ورثه الذی شهد علیه، و ان ارادوا ان یقتلوا الذی شهد علیه (متهم) فلیقتلوه و لا سیل لهم علی الذی اقر، ثم لیود الدیة الذی اقر علی نفسه الی اولیاء الذی شهد علیه نصف الدیة قلت: ارایت ان ارادوا ان یقتلوهما جمیعاً؟ فقال: الدیة بینهما نصفان لان احدهما اقر و الاخر شهد علیه. قلت: کیف جعلت لاولیاء الذی شهد علیه علی الذی اقر نصف الدیة حیث قتل، و لم تجعل لاولیاء الذی شهد علیه و لم یقر؟ قال علیه السلام: لان الذی شهد علیه لیس مثل الذی اقر، لان الذی شهد علیه لم یقر و لم یرمه صاحبه، و الاخر اقر و برأ صاحبه فلزم الذی اقر و برء ما لم یلزم الذی شهد علیه و لم یقر و لم یرمه صاحبه.

واژه (یریموا) از رام، یریم به معنی برج است چنانکه مجمع البحرین می‌گوید (فلم یریموا ای لم یرحوا من قولهم رامة یریمه ای برحه) یعنی از جای خود حرکت نکرده و دور نشده بودند به نقل از پاورقی ایضاح الفوائد ج ۴ ص ۶۰۹ فرهنگ جدید (ترجمه منجد الطلاب) ص ۲۲ می‌نویسد برج، بربح، براحاً، المکان: یعنی از آنجا رد شد، دور نشد.

۱- کتاب السرائر: محمد بن ادریس حلی ج ۳ ص ۳۴۲ طبع (موسسه نشر اسلامی) عین عبارت این است لوتشارکافی قتله لعدنا هما ولو کانتوا الفأ، یعنی اگر دو نفر شرکت در قتل کنند ما آنها را قصاص می‌کنیم.

از طرف دیگر مضمون صحیح با قواعد فقهی^(۱) تطبیق نمی‌کند، لذا در تبیین و توجیه روایت آراء مختلفی از ناحیه زبده‌ترین حقوق دانان به شرح آتی ابراز شده است که هم‌اکنون نظر خوانندگان را به تفصیل نظرات جلب می‌نمایم.

سیری در نظرات فقیهان

به آراء فقیهان در ادوار مختلف می‌پردازیم:

۱- فخرالمحققین: حکم به کشتن هر دو تایی آنها (متهم و مقرر) مشکل است^(۲) و همچنین ملزم نمودن مقرر و متهم (مشهود علیه) به پرداخت کردن دیه (خونبها) بالمناصفه (بطور تنصیف) باز مشکل است. (البته دیه در صورتی است که اولیای مقتول از قصاص صرف نظر نموده به گرفتن خونبها رضایت دهند.) زیرا احکام فوق وقتی صحیح است که قتل را مشترکاً انجام دهند، لکن دلیلی به اشتراک در جنایت وجود ندارد.^(۳)

۲- علامه حلی: می‌فرماید: کشتن هر دو تایی مشهود علیه و مقرر مورد نظر است (یعنی مورد تأمل است و بدین سادگی نمیتوان بآن حکم داد) مورد نظر بودن حکم را چنین تعلیل می‌کند: نه شهود شهادت دادند به اینکه آنها با همیاری مقرر مرتکب قتل شدند و نه مقرر در اقرار خویش به همکاری شهود در ارتکاب به جنایت اشاره نمود، بلکه گواهی گواهان و اقرار مقرر در اظهارات خودشان حکایت از آن داشتند که این قتل را بطور انفرادی انجام داده‌اند نه بطور اشتراک^(۴) سپس محقق حلی در دنبال سخن خود

۱- شیخ طوسی به روایت زراره عمل کرده است، محمد بن ادریسی به اینکه (ولی دم صاحب اختیار است در کشتن مشهود علیه و یا مقرر) رأی داده است رجوع شود به کتاب: المذهب البارع فی شرح مختصر النافع ج ۵ ص ۲۰۶ = موسسه نشر اسلامی.

۲- صاحب شرایع: جعفر بن الحسن ج ۴ ص ۲۲۱ مطبعه نجف اشرف جواهر الکلام: شیخ محمد حسن نجفی ج ۱۵ ص ۱۳۵ طبع بیروت.

۳- ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد: محمد بن الحسن بن یوسف بن المطهر الحلی (مشهور به فخرالمحققین) ج ۴ ص ۶۰۹ موسسه اسماعیلیان وسائل ب ۵ از ابواب قتل: از همان مأخذ.

۴- عبارت علامه: (ولی فی قتلها جمیعاً نظر، لان الشهود ما شهدوا بانهما اشتراکاً فی قتل المقتول، و لا المقر، و انما کان واحد ادامه پاورقی در صفحه بعد

می‌افزاید: (۱) اگر روایت زراره نبود قائل شدن به اینکه اولیای مقتول مخیر هستند در کشتن یکی از دو نفر (متهم و مقر) از قوت بیشتری برخوردار بود لکن صرف نظر کردن از صحیح زراره کار آسانی نیست زیرا روایت از مشاهیر است، لکن علامه حلی در محکی مختلف استبعاد از کشتن هر دو تائی مشهود علیه، و مقر را نفی نموده می‌فرماید باسی نیست از کشتن هر دو تائی آنها (با پرداخت اضافی دیه آنها به اولیای آنها). (۲)

۳- شهید ثانی: در کتاب مسالک از هر گونه اظهار نظر خوداری نموده، و به نقل مشکلات فحول علماء اکتفا می‌کند که این خود به نوعی از ابهام و اجمال در پیرامون مسئله مزبور کشف می‌کند و اهمیت داشتن مسئله را روشن می‌نماید.

از شرح لمعه (الروضة البهية) استفاده می‌شود که شهید ثانی مخیر بودن اولیای مقتول را نسبت به قصاص کردن هر یک از مقر و مشهود علیه ترجیح می‌دهد. (۳)

۴- صاحب جواهر: مضمون روایت زراره گر چه خلاف قواعد است، لکن بعلت صحیح بودن خبر از نظر روایت آن در کتب استدلالی فقه، و با در نظر گرفتن عمل اصحاب به روایت، اشکالی نیست از اینکه باید بروایت عمل کرد ولو مخالف با قواعد

ادامه پاورقی از صفحه قبل

منهما به بینه من الشهود او الاقرار - تؤذن بانه قتله علی الانفراد): المذهب البارع = فی شرح المختصر النافع احمد بن محمد (فهد الحلی ج ۵ ص ۲۰۵ طبع: النشر الاسلامی).

۱- شرایع الاسلام: نجم الدین = جعفر بن حسن ج ۴ ص ۲۲۱ طبع نجف و جواهر الکلام: شیخ محمد حسن نجفی ج ۱۵ ص ۱۳۵ چاپ بیروت.

۲- جواهر الکلام: شیخ محمد حسن نجفی ج ۴۲ ص ۲۲۴- دارالکتب الاسلامیه. قبلاً فهرست وار اشاره شد که قتل با سه چیز ثابت می‌شود از جمله آنها اقرار است ملاحظه کنید عبارت علامه حلی را (الفصل الرابع فیما یشیت به القتل و هو ثلاثة الاول: الاقرار و یکفی فیهِ المرّة من اهله)

ترجمه و توضیح عبارت: از جمله چیزهایی که به وسیله او قتل ثابت می‌شود اقرار است به یکمرتبه از اهله. مقصود از اهل (عقل، بلوغ، اختیار، التفات است) لزوم تعدد اقرار در بعضی از موارد مثل زنا و سرقت... مسلم و اتفاقی است ولی در قتل مورد اختلاف است: شیخ طوسی و طبرسی و جمع دیگر دو مرتبه اقرار را لازم می‌دانند و علامه و عده زیادی یکمرتبه اقرار را کافی می‌دانند.

۳- الروضة البهية: زین الدین بن علی ج ۲ ص ۲۸۴ چاپ اسلامیة صاحب ریاض در این زمینه می‌فرماید (هو الأشهر بل علیه عامة من تاخر).

هم بوده باشد و این روش در جاهای دیگر^(۱) هم معمول است زیرا طرح روایت و عمل کردن بمقتضای ضوابط همانند اجتهاد است در مقابل نص صریح چنانکه ابن ادریس در السرائر و علامه در کتاب تحریر و فاضل مقداد در التتقیح به روایت زراره عمل کرده‌اند.

۵- آیت‌الله خوئی: در حول و حوش مسئله مزبور کسی از قدما و متأخرین فقها، به اندازه مرحوم آیت‌الله خوئی به شرح و بسط نپرداخته است. ایشان می‌کوشد حتی المقدور و الامکان از راههای معقول و منطقی بین صحیح زراره و قواعد متسالم علیها وفق دهد که در این راستا هم از حذف خبر صحیح خودداری شده و هم حفظ صیانت ضوابط بدست آمده است.

مرحوم آیت‌الله خوئی می‌فرماید: دو تصویر در مسئله مطروحه متصور است.^(۲) صورت نخست اینکه احتمال شرکت هر دو نفر (مقر و متهم مشهود علیه) وجود داشته باشد.

صورت دوم این است که علم اجمالی هست به اینکه قاتل یک نفر است هیچگونه اشتراک در قتل وجود ندارد نهایت اینکه این جنایت مردد است بین دو نفر در این صورت می‌فرماید که به مقتضای علم اجمالی اشتراک متنفی بوده و قاتل بطور مسلم یکنفر است جای بحث نیست که دو نفر را در مقابل یک نفر نمی‌توان کشت زیرا خلاف صریح آیات و روایات است که دلالت می‌کنند به حرمت ریختن خون مسلمان بناحق و گناهی بالاتر و بدتر از این نیست که قداست و حرمت خون پایمال گردد و اما اینکه ولی دم مخیر شود در انتخاب یکی از آن دو نفر برای قصاص نمودن اینهم صحیح نیست زیرا مبنی و مجوز در کشتن آنها وجود (بینه و اقرار) است که هر دو اماره هستند در نتیجه تعارض، تساقط کردند و نسبت به حادثه قتل، این دو اماره کان لم یکن تلقی شدند پس با چه ملاکی ولی دم بتواند یکی از آنها را قصاص کند.

ماحصل بیان مرحوم آیت‌الله خوئی این است که اگر احتمال شرکت در قتل هست مشکلی وجود ندارد، و اگر چنین احتمالی نیست ناگزیر باید از اطلاق صحیح زراره صرف نظر نموده و آن را به موارد مشارکت در قتل اختصاص داد. روایت زراره هم ناظر

۱ - جواهر الکلام، شیخ محمدحسن نجفی ج ۴۲ ص ۲۲۴ دارالکتب الاسلامیه.

۲ - مبانی تکملة المنهاج آیت‌الله الخوئی ج ۲-۱ ص ۹۹ مطبعة نجف اشرف.

به این مورد است، پس از این تحلیل مرحوم حضرت آیت‌الله خوئی اضافه می‌کند که بناء عقلا در چنین موارد عمل کردن به اقرار است و بس.^(۱)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - نگارنده: با دقت و تأمل در تحقیقات ابتکاری آیت‌الله خوئی در پیرامون مسئله مزبور و مقایسه آن با مطالب علامه حلی می‌توان گفت که عبارت ایشان متأثر از کلمات علامه حلی بوده و بعضی از جملات علامه با ظرافتی خاص در عبارات ایشان تضمین شده است.